

بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه بر اساس آرمان‌های اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)

نویسندگان: محمد مهدی ذوالفقارزاده^۱ و علی اصغر سعدآبادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۲/۲۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۳

چکیده

در عصر جدید، کارکرد دانشگاه‌ها تنها در آموزش، پژوهش، کارآفرینی و مانند آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در نقش یک پایگاه معرفتی به فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی نوین می‌پردازند. این مقاله سعی بر دارد تا با تبیین و تعریف لوازم و شاخص‌های لازم برای این مهم، نظریه‌پردازی مناسب صورت پذیرد. از میان انواع راهبردهای پژوهش کیفی، راهبرد «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» (به طور خاص راهبرد نظریه داده‌بنیاد متنی) به عنوان راهبرد تحقیق انتخاب گردیده است. منابع مورد استفاده، با توجه به مسیر پژوهش در رجوع به منابع اسلامی و نیز جهت‌گیری بنیادی آن از یک سو و اقتضائات سیاستی و راهبردی پژوهش از سوی دیگر، اندیشه بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) است. از مجموع ۳۳۶ کدباز شناسایی شده، ۱۰۰ کد مربوط به سؤال تحقیق، یعنی کارکرد و رسالت دانشگاه در جامعه بر اساس آرمان‌های اسلامی یا همان نظام آرمانی اسلام، تشخیص داده شد. پس از کدگذاری گزینشی صورت گرفته بر این ۱۰۰ کد محوری از بیانات امام خمینی (ره)، پنج مقوله اصلی شامل انسان‌سازی، استقلال فکری و تحقق فرهنگ توانستن، پی‌ریزی و ساختن آینده، تضمین سعادت ملت‌ها و هدایت‌گری جامعه و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی به عنوان کارکردهای اصلی و رسالت دانشگاه بر اساس آرمان‌های اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) شناسایی شد.

واژگان کلیدی:

آرمان‌های اسلامی، امام خمینی (ره)، کارکردهای دانشگاه، روش نظریه داده‌بنیاد

۱. استادیار دانشکده علوم و فنون نوین دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری رشته سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تهران



مقدمه

امروزه تعاریف و کارکردهای متعددی برای دانشگاه از سوی صاحب‌نظران مطرح است؛ کارکردهایی همچون تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر (آموزش)، نشر و اشاعه دانش از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص برای ارائه خدمات متنوع در جامعه، تحقق جامعه‌پذیری جوانان برای عبور از فردیت و رسیدن به حیات جمعی، مدیریت دانش و پژوهش با عنایت به نیاز روزافزون در خصوص هدایت جریان دانش و اطلاعات؛ همگی از کارکردهای اصلی و وجه ممیز دانشگاه با سایر نهادهای جامعه، از دید اندیشمندان به شمار می‌روند. در واقع، امروزه واژه دانشگاه در بردارنده معانی و مفاهیم متنوعی است که ریشه در کارکردهای متنوع آن دارد (یمینی، ۱۳۸۸، ص ۴). بر اساس تمامی این تعاریف و کارویژه‌ها، نوعی نگاه خاص به دانش و دانشگاه شکل می‌گیرد که طبق آن هر گونه فعالیت در جامعه باید رنگ و بوی علمی داشته و یا مبتنی بر نگرش «علمی» باشد و جامعه‌ای که این چنین اداره شود، قطعاً با پیشرفت و توسعه، البته در همان ابعادی که علم موجود اقتضای آن را دارد، همراه خواهد بود.

اما با اندکی تأمل در این تعاریف متداول مشخص می‌شود که در اکثر آنها، بخش مهمی از شاکله و ابعاد زندگی انسان و جامعه در آن نادیده انگاشته شده است. ابعادی که ناظر بر جنبه‌های فرامادی او بوده، بر فطریات، اعتقادات، روحیات، تمایلات، احساسات، روانیات و جهت‌گیری‌های فرهنگی و معنوی وی دلالت دارند. این ابعاد فرامادی که در نگاه دینی، اصالت با آنهاست؛ تقریباً در تمامی کارکردهای رایج دانش و دانشگاه، مورد غفلت واقع شده است. به طوری که، احساس سرگشتگی، بحران‌های روحی، بی‌هویتی و زندگی تک‌بعدی، از جمله پیامدهای ناگوار آن، البته در کنار پیشرفت و توسعه مادی، به شمار می‌روند. برای رفع این نقص عمده، ضرورت بازتعریف همه بعدی نهاد دانشگاه به گونه‌ای که تمام ابعاد حیات انسان و جامعه را مدنظر قرار داده، و به طور همزمان به جنبه‌های پیش‌گفته در کنار جنبه مادی بپردازد؛ امری ضروری است. این مهم، تنها در ذیل نگرشی فرهنگی به دانشگاه محقق خواهد شد. نگاهی که در آن، دانشگاه، توجهی متوازن به همه ابعاد مادی و معنوی حیات انسانی داشته و با برنامه‌ریزی و فضاسازی مستمر و حساب شده بتواند به فرموده امام خمینی (ره) منشأ اصلاح و مبدأ همه تحولات جامعه گردد (خرمشاد در مقدمه آدمی و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۱۲-۱۴). در واقع، یکی از نکات مهم و مطرح در ادبیات مربوط به فرهنگ دانشگاهی این است که سخن گفتن از فرهنگ دانشگاهی بدون در نظر گرفتن کارکردهای مورد انتظار از دانشگاه، راه به بی‌راهه است (صباغیان، ۱۳۸۸، صص ۷۴-۷۶). بنابراین برای تدوین



الگوی مطلوب فرهنگ دانشگاه، باید دید که در گام نخست، کارکردهای دانشگاه در جامعه اسلامی مبتنی بر آرمان‌های اسلامی چیست؟ در واقع، مبنای اصلی تعریف این کارکردها، آرمان‌های مدنظر اسلام خواهد بود و باید با توجه به آرمان‌ها، باید‌ها و نبایدهایی که در فرهنگ اسلامی و به خصوص شیعی تعریف شده است، کارکردهای دانشگاه را بازساخت. سپس با حفظ این کارکردها (که در حکم گزاره‌های بنیادین و بایسته‌های الگوی اسلامی فرهنگ دانشگاهی است)، به کشف این الگو همت گمارد تا فرهنگ مدنظر دقیقاً متناسب با کارکردهای مورد انتظار تعریف گردد؛ چرا که استحکام الگوهای نظری و تحلیلی به منطق گزاره‌های زیربنایی و نحوه ارتباط میان آنها بستگی دارد (پورعزت، ۱۳۸۷، صص ۱۴۳-۱۴۵).

نکته مهم دیگر در بازتعریف کارکردهای دانشگاه مبتنی بر آرمان‌های اسلامی، توجه به عنصر با اهمیت زمان و اقتضائات زمانی و مکانی حال و پیش‌روی جامعه اسلامی است. در واقع، آنچه نقش و کارکرد دانشگاه را در نگاه اسلامی متمایز می‌سازد، شناخت همین اقتضائات زمانی و مکانی از منظر اسلامی است که چارچوبه اصلی آن مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی و با توجه به اندیشه متعالی امام خمینی (ره) شکل خواهد گرفت. این گفتمان، کارویژه‌های بنیانی متفاوتی نظیر «انسان‌سازی» و «تمدن‌سازی» را برای دانشگاه مطرح می‌سازد که کارکردهایی بسیار متمایز و متعالی با کارکردهای معمول و عام دانشگاه است و به عنوان عاملی بسیار اثرگذار در کشف الگوی فرهنگ دانشگاهی مورد نظر به شمار می‌رود. توجه به این اقتضائات در تدوین الگوی فرهنگ دانشگاهی، منجر به کشف الگویی می‌شود که با الزامات نظریه شایستگی فرهنگی^۱ مطرح در ادبیات فرهنگ سازمانی همخوانی خواهد داشت (زارعی متین، ۱۳۸۸، ص ۳۱۱). بر این اساس، نوشتار حاضر، در پی پاسخ به این سؤال است که کارکردهای اصلی دانشگاه بر اساس آرمان‌های اسلام چگونه تعریف خواهد شد؟ منبع اصلی مورد استفاده برای انطباق کارکردها با آرمان‌های اسلامی، اندیشه‌ها و آراء رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) خواهد بود که بر اساس روش تحلیل داده‌بنیاد مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

دانشگاه به منزله یک نظام، در نظام‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه محاط است که هم از آنها تأثیر می‌پذیرد و هم بر آنها تأثیر می‌گذارد و در واقع زیرنظامی از نظام آموزش عالی است و به منزله یک سازمان آموزش عالی دارای وظایف



و کارکردهایی است که در رسالت‌ها و مأموریت‌های آموزش عالی آن تعیین شده است (یمنی و ثمری، ۱۳۸۹، ص ۴). در این بخش از پژوهش به مرور پژوهش‌های پیشین در حوزه این پژوهش پرداخته شده است.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۷) کتابی را با عنوان «درآمدی بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی: بایسته‌های نظری» منتشر ساخته است. معاون فرهنگی وقت وزارت علوم، در مقدمه این کتاب ضرورت پرداختن به بایسته‌های نظری دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی را مطرح می‌کند. وی دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی را سازه‌ای می‌داند که ناظر بر بازتعریف دانشگاه و کارکردهای مختلف آن با غلبه نگاه فرهنگی است. نگاهی که در تعاریف رایج از دانشگاه و کارکردهای متداول آن نظیر تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر (آموزش)، نشر و اشاعه دانش از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص برای ارائه خدمات متنوع در جامعه، تحقق جامعه‌پذیری جوانان برای عبور از فردیت و رسیدن به حیات جمعی و مدیریت دانش و پژوهش با عنایت به نیاز روزافزون در خصوص هدایت جریان دانش و اطلاعات، مغفول مانده و از یک نگرش همه‌جانبه و همه‌بعدی به تمام ابعاد حیات انسانی، حکایت دارد. بر این اساس، ایده دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی، از رهگذر دو منظر آرمانی و واقع‌گرا قابل پی‌گیری است. منظر آرمانی با نگاه توأمان به تمدن پیشرو ایران و نیز آموزه‌های تمدنی اسلامی، بر حرکت به سمت یک قله آرمانی و دست‌یافتنی دلالت دارد و منظر واقع‌گرا، با تکیه بر پیشینه درخشان اندیشمندان مسلمان ایرانی در تمدن ایرانی-اسلامی، ناظر بر دستیابی به مفهومی روشن با شاخص‌هایی عینی در این خصوص است (خرمشاد در آدمی و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۱۲-۱۶).

از بعد جامعه‌شناسی آموزش عالی، آلن تورن سه کارکرد را برای دانشگاه قائل است. کارکردهایی که در تضاد و تعارض با یکدیگر عمل می‌کنند

کارکرد بازتولید (تربیت نخبگان و تفسیر اطلاعات و در عین حال بازتولید ساختار و کارکردهای خود)، کارکرد سازگاری (سازگار با تغییرات همراه با بازتولید خود) و کارکرد تولید (تولید محصولات متنوع و دشواری جذب آنها با توجه به ناهمگونی‌های ناشی از جهانی‌شدن اقتصاد) (تورن^۱، ۱۹۸۹).

بویر نیز چهار رسالت اساسی را برای دانشگاه مطرح می‌سازد: اکتشاف علمی، انسجام بین داده‌های موجود از طریق تفکر بین‌رشته‌ای، کاربرد اطلاعات در مسائل واقعی و آموزش به عنوان کار جدی دانشگاه (بویر، ۱۹۹۵)

برخی اندیشمندان، سعی کرده‌اند تا کارکرد دانشگاه‌ها را از منظر تأثیری که رشته‌های دانشگاهی در ایجاد یکسری نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای خاص بر اهالی



دانشگاه می‌گذارند، تحلیل نمایند (Becher, 1981; Becher 1990; Becher, 2001; Becher, 1994; Becher & Trowler, 2001; Clark, 1997, p 24). به عبارت دیگر، رشته‌های دانشگاهی خود عاملی مهم در شکل‌گیری باورها و رفتارهای اعضای آن به شمار می‌روند؛ از این رو، باید بتوان نحوه این اثرگذاری را تشریح نمود. تونی بچر^۱ یکی از معدود اندیشمندان اروپایی است که وارد این حوزه شده و در مطالعه فرهنگ در آموزش عالی، به طور خاص بر روی «فرهنگ رشته‌های علمی» متمرکز شده است. او بر این باور است که رشته‌های دانشگاهی خود، پدیده‌هایی فرهنگی‌اند که هر یک از آنها مجموعه‌ای از افراد همفکر را در بر گرفته، هر کدام دارای یک منشور رفتاری و مجموعه‌ای از ارزش‌های خاص خود و کارهای فکری متمایز هستند (Becher, 1981, p 109). تفاوت کار بچر با برخی از آثار کلارک و نیز سایر آثار فرهنگ دانشگاهی در این است که وی به تأثیر فرهنگ سازمانی در حوزه آموزش عالی نپرداخته است، بلکه سازمان دانشگاهی را از طریق تمرکز بر روی رشته‌های علمی و نگرش‌ها، ارزش‌ها، کارکردها و رفتارهای خاص هر یک از آنها تحلیل کرده است.^۲

اتزکویتز^۳ (۲۰۰۴) فرایند شکل‌گیری و تکامل فرهنگ و تمایلات کارآفرینانه در محیط‌های آکادمیک را تحت عنوان تغییر در مأموریت دانشگاه‌ها در اثر بروز دو انقلاب آکادمیک مورد بررسی قرار داده است که دیدگاه‌ها و طبقه‌بندی وی در قالب جدول ۱ جمع‌بندی شده است.

جدول ۱- تحول در مأموریت های دانشگاه (اتزکویتز، ۲۰۰۴)

دوره	زمان ظهور	رویکرد و رخداد	مأموریت	الگوی آکادمیک
تا انقلاب اول	تا قرن ۱۹	حاکمیت این نگاه که تنوع در مأموریت‌ها موجب بروز تعارض در علائق می‌شود.	مأموریت یکتا: حفاظت از دانش بشری و انتشار آن	دانشگاه آموزشی ^۱
انقلاب آکادمیک اول	اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰	تحقیق و پژوهش به‌عنوان یک وظیفه قانونی برای دانشگاه‌ها مورد پذیرش قرار گرفت و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی که قبلاً به‌صورت مجزا در کالج‌ها و جوامع علمی انجام می‌شد در قالب نظام‌دانشگاهی جمع شد.	دو مأموریت همزمان: آموزش و تحقیقات	دانشگاه پژوهشی ^۲

1. Tony Becher

۲. البته کلارک در زمینه فرهنگ‌های اساتید هیأت علمی (Faculty Cultures) نیز مقاله‌ای دارد که در ادامه به آن اشاره شده است.

3. Etzkowitz



دوره	زمان ظهور	رویکرد و رخداد	مأموریت	الگوی آکادمیک
انقلاب آکادمیک دوم	دهه‌های ۷۰ و ۸۰	روابط بین دانشگاه و صنعت به‌طور سریع توسعه یافت و موضوع هماهنگی دانشگاه با نیازهای صنعت برای معرفی فناوری‌های جدید از طریق یکپارچه‌سازی تحقیقات با فرایند به‌کارگیری به‌عنوان سیاست جدید توسعه تکنولوژی مورد توجه قرار گرفت.	ظهور مأموریت سوم: تاکید بر نقش دانشگاه در توسعه اقتصادی و اجتماعی علاوه بر پیگیری دو مأموریت پیشین	دانشگاه کارآفرین ^۲

ویلیام برگکوئیست^۱ (۱۹۹۲)، بر مبنای تعریف مالینوسکی^۲ (۱۹۴۸) از فرهنگ (که آن را کل جامعی مشتمل بر مصنوعات، کالاها، شیوه انجام امور، عقاید، عادات و ارزش‌های موروثی به همراه ساخت اجتماعی می‌داند)، و نیز بر اساس تعاریف فرهنگ سازمانی شاین (۱۹۸۵) و لسن^۳ (۱۹۹۰)، چهار نوع فرهنگ دانشگاهی متمایز اما مرتبط با هم را در دانشگاه‌های آمریکا احصاء می‌نماید: فرهنگ کالجی، فرهنگ مدیریتی، فرهنگ توسعه‌ای و فرهنگ مذاکره‌ای و کارکردهای دانشگاه‌ها را بر اساس آنها بیان می‌کند. خلاصه نتایج پژوهش‌های وی در قالب جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲- فرهنگ‌های شش‌گانه دانشگاه^۴

نوع فرهنگ دانشگاه	عناصر مهم	ارزش‌های مطرح	مفروض اصلی	تلقی از سازمان دانشگاه	کارکرد دانشگاه
کالجی	رشته‌های علمی دانشگاه	پژوهش، تصمیم‌گیری و حاکمیت جمعی	حاکمیت عقلانیت	عامل تولید و اشاعه دانش و انتقال صفات لازم به نسل جوان	تربیت رهبران آینده جامعه و پژوهشگران جدید رشته علمی
مدیریتی	اجرا و ارزیابی برنامه‌های از پیش تعیین شده	کارایی، پاسخگویی مالی و نظارت	تعریف و سنجش دقیق اهداف	عامل القاء یکسری دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های خاص به دانشجویان	تضمین شهروندانی موفق و مسئولیت‌پذیر
توسعه‌ای	رشد شخصی و حرفه‌ای دانشگاهیان	آزادی فردی، خدمت به دیگران و برنامه‌ریزی درسی و پژوهشی	دستیابی به رشد شخصی، میل ذاتی همه انسان‌ها	عامل ترغیب همه اساتید، دانشجویان، مدیران و کارکنان به رشد	رشد در همه ابعاد شناختی، احساسی و رفتاری

1. William Bergquist
2. Malinowski
3. Lessen

۴. برگرفته از: Bergquist, 1992; Bergquist & Pawlak, 2008



نوع فرهنگ دانشگاه	عناصر مهم	ارزش‌های مطرح	مفروض اصلی	تلقی از سازمان دانشگاه	کارکرد دانشگاه
مذاکره‌ای	وضع خط‌مشی‌های عادلانه و توزیع منصفانه منابع	تقابل آراء و چانه‌زنی گروه‌های ذی‌تفع	قدرت، فصل‌الخطاب و میانجی‌گری تاحدی لازم است	عامل گسترش ناخواسته ساختارها و نگرش‌های اجتماعی اغلب مخرب	ایجاد ساختارها و نگرش‌های اجتماعی جدید و آزادانه‌تر
مجازی	پاسخ به دنیای پست‌مدرن در تولید و اشاعه دانش	نگاه جهانی و ایجاد نظام‌های آموزشی باز و مشترک	توانایی درک ابهام و پاره‌پارگی در دنیای پست‌مدرن	عامل پیوند میان منابع تکنولوژیک و منابع جهانی	گسترش یادگیری جهانی
حقیقی	معنویت و مذهب به جای ارزش‌های سکولار	آموزش ارزش‌مدار و چهره به چهره و توسل به یک دکترین مذهبی خاص	توانایی القاء ارزش‌های مدنظر دانشگاه به‌وسیله فناوری‌های ریشه‌دار	عامل تکریم و سامان‌دهی به دانش و یادگیری	گسترش یادگیری بومی و محلی

کیر و هانی، نقش‌ها و کارکردهای آموزش عالی در سطح بین‌المللی را بدین شرح برشمرده‌اند: کارکردهای آموزشی (اشترمن و نوکولا^۱، ۲۰۰۹؛ شیری و فلدمن^۲، ۲۰۱۲، ص ۱۳۵؛ پالری^۳ و همکاران، ۲۰۱۴)، کارکردهای پژوهشی (رتک^۴ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۴۲؛ باتیستا^۵ و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۴۷۱)، کارکردهای خدماتی (مرو^۶ و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۴۳۶؛ فرلی^۷ و همکاران، ۲۰۰۸)، کارکرد انتشاراتی و کارکرد رشد حرفه‌ای (دراجسیک^۸ و همکاران، ۲۰۱۱؛ زژدا، ۲۰۱۱، ص ۵۰۳). مقاله اسلامی (۱۳۸۷) با عنوان: «دانشگاه تمدن‌ساز؛ پلی میان دانش و فرهنگ» در ارتباط بیشتری با موضوع فرهنگ دانشگاهی قرار دارد. اسلامی در این نوشته، قائل به بروز تحولاتی تازه در تعاریف دانشگاه است. وی ریشه این تحولات اخیر در کارکردهای دانشگاه را در پیوند میان فرهنگ و آموزش عالی می‌داند. در واقع، این تحولات ناظر بر با هم دیدن ضروریات علمی و تکنولوژیک تمدنی از یک سو و الزامات فرهنگ و انسانی تمدنی از سوی دیگر توسط نهاد دانشگاه است. همچنین در این تعاریف

1. Estermann & Nokkala
2. Shiri & Feldman
3. Paleari
4. Krettek
5. Battista
6. Moru
7. Ferlie
8. Dragsic



جدید بر نقش دانشگاه در نزدیکی میان فرهنگ آکادمیک (دانشگاهی) با فرهنگ عامه توسط این نهاد تأکید می‌شود. اسلامی، توجه همزمان به دانش معطوف به توسعه و دانش معطوف به فرهنگ را کارویژه مهم دانشگاه در چالش فوق می‌داند. در بیان او، ناکارآمدی حاکمیت راهکارهای تک‌بعدی و عمدتاً اقتصادی در برنامه‌های توسعه و تنش میان علم و اخلاق، جوامع انسانی را به سمت قرار دادن فرهنگ و ارزش‌های انسانی در مرکز این برنامه‌ها سوق داده است.

خلاصه آنکه، در نگاه ایشان، دانشگاه باید نقش بی‌بدیل خود را در نگاه همه‌جانبه به تمدن (بعد ابزاری، دانشی و تکنولوژیک در کنار بعد انسانی، فرهنگ و ارزشی و رشد متوازن این دو) به خوبی ایفا نماید. تنها این نهاد است که می‌تواند و باید شکاف میان «دو فرهنگ علم‌مدار و انسان‌مدار» را پر کند. اما خطر این رویکرد، نگرش «ابزارانگاران» به فرهنگ است که ممکن است به عنوان منبعی برای مشروعیت‌بخشی مورد سوءاستفاد قرار گیرد کما اینکه در گذشته و اکنون نیز فجایع بسیاری از قبیل نگرش «ابزارانگاران» به علم گریبان‌گیر بشریت شده است؛ بنابراین، باید در این مسیر از آسیب فوق بر حذر بود (اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۱۶۹-۱۸۴).

هدف و رویکرد پژوهش حاضر نیز با رویکرد مدنظر مقاله بالا، بسیار شبیه و نزدیک است. یعنی در این پژوهش نیز ما نخست به دنبال «بازتعریف کارکرد و رسالت دانشگاه» تا از پس آن و به عنوان قدم نخست، بتوان در گام‌های تکمیلی بعدی، «فرهنگ متناسب با آن کارکردها را با توجه به اقتضات این مکان و این زمانی» یا به تعبیر دیگر «الزامات تمدنی پیش رو» (اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳) را، رصد و تحلیل نمود. باید توجه داشت که این نوع پیوند مورد نظر میان دانش و فرهنگ و توجه همه‌بعدی به آن، در نگاه، آرمان‌ها و منابع اسلامی شیعی ریشه داشته یا دست کم در اندیشه متفکران و رهبران مسلمان جامعه اسلامی متجلی و از آن قابل استخراج است. البته، پژوهش حاضر بر این امر نیز تأکید دارد که پیوند مورد نظر میان دانش و فرهنگ و الزامات پیش‌گفته بدون در نظر گرفتن «الزامات نهادی، سیاستی و سازمانی» راه به جایی نخواهد برد.

دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی - ایرانی در آینه آراء و اندیشه‌های امام و رهبری، عنوان کتاب دیگری که معاونت فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این زمینه منتشر کرده است. این کتاب که به همت معینی (۱۳۸۷) تهیه شده است، در واقع، نوعی گردآوری و کدگذاری آراء و اندیشه‌های این دو بزرگوار در محورهای مهم دانش و دانشگاه، فرهنگ و تمدن، اسلامی شدن دانشگاه، وحدت حوزه و دانشگاه و جنبش نرم‌افزاری است (اکثر عناوین بین این دو بزرگوار مشترک بوده و تنها عنوان اخیر



مختص مقام معظم رهبری است). این نوع گردآوری به تعبیر گردآورنده محترم، «امکان مقایسه و درک منطق حاکم بر اندیشه‌های این بزرگان را برای اهل تحقیق آسان‌تر می‌کند». از این رو، بی‌شک این کتاب منبع بسیار مفیدی برای تحقیق حاضر خواهد بود که سهولت دسترسی به آراء و اندیشه‌های این دو اندیشمند مسلمان در زمینه فرهنگ و دانشگاه را برای آن فراهم می‌آورد.

خرمشاد و آدمی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز»، بر این موضوع تأکید دارند که انقلاب اسلامی ایران، قطعاً یکی از نیروهای تعیین‌کننده و تأثیرگذار در حوزه تمدنی بوده و در احیا و پیشبرد آن در عصر جدید نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و برای مقاومت و سرپا ماندن در برابر غرب انسان‌محور و ماده‌باور چاره‌ای جز تمدنی‌اندیشیدن و تمدنی‌عمل کردن ندارد. دانشگاه به عنوان یکی از کانون‌های علم، دانش و فرهنگ که وظیفه‌اش تولید، تبیین و تعمیق علم، معرفت و فرهنگ است، از مهم‌ترین مراکز تأثیرگذار در شکل‌گیری و رشد هر تمدنی است تا بدان حد که می‌توان به جرأت ادعا کرد دانشگاه‌ها به عنوان ستون‌های برپادارنده تمدنی هستند و بدون دانشگاه هیچ تمدنی ره به جایی نخواهد برد. در یک کلام، در عصر جدید کارکرد دانشگاه تنها در آموزش، پژوهش، کارآفرینی و مانند آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در نقش یک پایگاه معرفتی به فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی نوین می‌پردازد. نویسندگان در این مقاله سعی بر آن دارند تا با تبیین و تعریف لوازم و شاخص‌های لازم برای این مهم، نظریه‌پردازی مناسب صورت پذیرد. بر این اساس، ضمن تبیین برخی مفاهیم پایه‌ای مانند تمدن و نظریه‌های مرتبط با آن، تثبیت علم (به منظور گسترش ظرفیت تمدنی) و حرکت در جهت کمال (به منظور انطباق با نیازهای روز) را دو هدف مهم دانشگاه تمدن‌ساز می‌دانند. ایشان بر این نکته مهم تأکید دارند که برای تحقق ایده دانشگاه تمدن‌ساز ابتدا باید بدانیم تمدنی که انقلاب اسلامی در پی آن است چیست و چه مشخصه‌هایی دارد و بعد از تعیین اولویت‌ها و نیازها بر این اساس، خواهیم دانست چه مصالحی را باید به کار گیریم و کدام راه را باید برگزینیم (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷).

ذاکر صالحی (۱۳۸۳) معتقد به روند روبه رشد افزایش کارکردهای فرهنگی دانشگاه است. این روند شتابان به حدی است که دیگر نگاه به دانشگاه از اینکه آن را به عنوان یک نهاد صرفاً آموزشی تلقی نمایند، فاصله گرفته است؛ اما در عین حال چنین نقشی چندان محسوس نبوده و برای پژوهشگران قابل لمس و اندازه‌گیری نیست. دانشگاه در ایران خرده‌سیستم‌های اجتماعی فرهنگی را برای تحول، تحریک و ترغیب نموده



است و این نقش اندکی نیست (ذاکر صالحی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳). تعلیم و پرورش آموزشی و ذهنی و کرداری دانشجو، کارکرد اصلی دانشگاه است و هر چه به امور جزئی و جانبی رفتاری دانشجو حساس شده و بخواهیم آن را تغییر دهیم، نه تنها نتیجه نمی‌دهد، بلکه او را وادار به واکنش منفی و روابط پنهانی و زیرزمینی می‌نماید.

در میان پژوهش‌های فرهنگ دانشگاهی، کمتر به مقوله کارکردهای مورد انتظار از دانشگاه و لزوم تناسب و سازگاری این فرهنگ با آن کارکردها اشاره شده است. در واقع، یا کارکردها مورد بحث اندیشمندان عرصه «فرهنگ دانشگاهی» نبوده است و یا اینکه تنها همان کارکردهای رایج دانشگاه یعنی آموزش (انتقال دانش)، پژوهش (تولید دانش) و ارائه خدمات (اشاعه دانش) فرض شده‌اند و تنها بر لزوم پشتیبانی فرهنگ دانشگاه با کارکردهای آن اشاره شده است. (Dill, p17, 1982, p 314; Ferreira, 2006). در میان آثار مورد بررسی در تحقیق حاضر، تنها دو اثر را می‌توان یافت که کارکردهای متمایز دیگری را علاوه بر کارکردهای پیش گفته، البته با عنایت به مقوله فرهنگ دانشگاهی بر شمرده‌اند:

برگکوئیست و پاولاک (۲۰۰۸)، کارکردهای غایی ذیل را با توجه به فرهنگ‌های شش‌گانه متمایز دانشگاهی احصاء می‌کنند: تربیت رهبران آینده جامعه و پژوهشگران جدید رشته علمی، تربیت شهروندانی موفق و مسئولیت‌پذیر، رشد در همه ابعاد شناختی، احساسی و رفتاری، ایجاد ساختارها و نگرش‌های اجتماعی جدید و آزادانه‌تر، گسترش یادگیری جهانی، گسترش یادگیری بومی که به ترتیب با هریک از این شش گونه فرهنگ دانشگاهی (کالاجی، مدیریتی، توسعه‌ای، مذاکره‌ای، مجازی و حقیقی) متناظر است. نیکسون نیز، رسالت دانشگاه را طبق نگاه فضیلت‌گرایی خود توسعه مدنیت می‌داند تا حدی که بیان می‌کند که دانشگاه باید نقش خطیر رهبری مدنی^۱ جامعه را برعهده گیرد (Nixon, 2008, pp 1-5).

روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف تحقیق، کشف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه بر اساس نظام آرمانی اسلام است، نحوه بهره‌مندی از منابع اسلامی به لحاظ روش شناختی اهمیتی ویژه می‌یابد. در این راستا، از میان دو مسیر (۱) استفاده مستقیم از اصل منابع اسلامی و یا (۲) رجوع با واسطه به آنها، مسیر دوم با اقتضائات مسئله تحقیق و نیز شرایط محقق در تناسب بالاتری تشخیص داده شد و انتخاب گردید. جهت‌گیری پژوهش حاضر بنیادی و در زمره پژوهش‌های کیفی قرار داشته و از ترکیب رویکرد استقرایی و قیاسی



برای کشف الگوی مورد نظر استفاده نمود. از میان انواع راهبردهای پژوهش کیفی، راهبرد «نظریه پردازی داده بنیاد»^۱ (به طور خاص راهبرد نظریه داده بنیاد متنی) به عنوان مناسب ترین راهبرد برای تحقیق انتخاب گردیده است. منابع مورد استفاده آن با توجه به مسیر دوم در رجوع به منابع اسلامی و نیز جهت گیری بنیادی آن از یک سو و اقتضائات سیاستی و راهبردی پژوهش از سوی دیگر، اندیشه بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) است. برای پی بردن به اندیشه امام خمینی (ره) در موضوع مورد مطالعه و اجرای راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد بر روی آن، به بیانات و سخنرانی های ایشان که حاکی از اندیشه ایشان است، رجوع شد. در این میان، علاوه بر تحلیل داده های مکتوب (کتاب دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (ره)): از مجموعه کتاب های تبیان و آثار موضوعی، از منابع الکترونیکی مناسبی که توسط مراکز تحقیقاتی تهیه شده است، استفاده شد؛ از جمله، نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره) (تهیه شده توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)). این نرم افزار ضمن جامعیت خود در پوشش دادن آثار، در مقایسه با سایر نرم افزارهای مشابه، امکانات بیشتری را در اختیار محققان قرار می دهد. برای تحلیل و کدگذاری داده های جمع آوری شده از نرم افزار Excel و نیز نرم افزار Maxqda10، به عنوان یکی از بهترین و مناسب ترین نرم افزارهای کیفی استفاده شد.

جامعه آماری و نمونه تحقیق

در مرحله گردآوری داده ها، داده های مورد نیاز، یعنی بیانات امام خمینی (ره) در خصوص موضوع تحقیق گردآوری شده است. مبنای اصلی برای «نمونه گیری نظری» و هدفمند از این بیانات گسترده و حجیم، توجه به مخاطب بیانات بوده است. در این میان، برای پوشش جامع، هم از منابع مکتوب و هم از منابع الکترونیک استفاده گردیده است. در خصوص موضوع تحقیق حاضر تاکنون گردآوری های مناسب و مکتوبی در مورد اندیشه های امام راحل انجام گرفته است که رجوع به آن موجب تسریع و تسهیل فرایند تحقیق شده است؛ کتاب دانشگاه و دانشگاهیان: از دیدگاه امام خمینی (ره): از مجموعه کتاب های تبیان (دفتر ۱۴)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، ۱۳۸۳. این منبع، کلیه سخنان و آراء امام خمینی (ره) را در خصوص دانشگاه و دانشگاهیان حتی از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در بر گرفته است و به لحاظ جامعیت، منبع قابل اتکائی است.



تجزیه و تحلیل یافته‌ها

کارکردهای دانشگاه در پرتو اندیشه‌های امام خمینی (ره)

بر این اساس، بیانات امام خمینی (ره) در قالب کدهای باز مورد بازبینی قرار گرفت. از مجموع ۳۳۶ کدباز شناسایی شده، ۱۰۰ کد مربوط به سؤال تحقیق، یعنی کارکرد و رسالت دانشگاه در جامعه بر اساس آرمان‌های اسلامی یا همان نظام آرمانی اسلام، تشخیص داده شد. این کدها به همراه کدهای محوری آنها که تقریباً همزمان با مرحله کدگذاری باز به هر کد تعلق گرفته بود، بعد از غربالگری و پالایش (فیلتر) اولیه توسط نرم‌افزار، در دو مرحله کدگذاری محوری و گزینشی مجدداً و این بار از منظر سؤال مدنظر تحقیق (کارکردهای دانشگاه) کدگذاری گردید. در جدول شماره ۳ خروجی این کدگذاری‌های دو مرحله‌ای که بر روی ۱۰۰ کدگزینشی مرتبط با سؤال تحقیق از منظر اندیشه امام خمینی (ره) صورت گرفته است، آمده است.

جدول شماره ۳. کدهای گزینشی و محوری کارکرد دانشگاه در اندیشه اسلامی امام خمینی (ره)

کد محوری (انسان سازی)	
دانشگاه، مأمور انسان‌سازی	تربیت انسان مؤمن متقی
دانشگاه، اثرگذارترین نهاد کشور	ساختن جامعه توحیدی
انسان‌سازی، هدف انبیاء ع؛ قرآن، کتاب انسان‌سازی	لزوم سرایت معنویات از دانشگاه به جامعه
انسان اسلامی در مقابل انسان غربی	اصالت معنویات نه مادیات در اسلام
خروجی دانشگاه: انسان اسلامی	دانشگاه مهد انسان‌سازی و معنویت
تعلیم همراه تربیت انسانی	انسان‌سازی مبنای بروز معنویات
مصون‌سازی و تربیت کشور در گروهی تربیت انسانی	هدف، تحقق دانشگاه نورانی
ویژگی‌های انسان دانشگاهی: تقوا، استقامت، امانت‌داری و تزکیه	استقلال و آزادی برای الهی شدن
در کنار هر قدم تعلیم، یک قدم تزکیه	انسان شدن تنها هدف انبیاء ع
مقدرات کشور در دست دانشگاه	انسان شدن مبنای اصلاح همه چیز
بدون تزکیه هر قدم در تعلیم، دور شدن بیشتر از انسانیت است	مسئولیت مدیران دانشگاهی: ساختن انسان الهی
شرط تحقق انسان‌سازی: تزکیه	ویژگی‌های انسان دانشگاهی: ایمان به الله و یوم‌الآخر (خداپاور و آخرت‌باور)
پیامد تعلیم بدون تزکیه: دوری از انسانیت	دانشگاه بدون انسان‌سازی ضرر است



کد محوری (انسان سازی)	
شرط نجات ملت: انسان سازی در دانشگاه	لزوم حضور علمای اخلاق در دانشگاه‌ها
انسان الهی در مقابل انسان طاغوتی	خواست امام ره: «انسان» دانشگاهی، نه معلم و دانشجو
مسئولیت مدیران و اساتید دانشگاهی: ایجاد ایمان	ویژگی‌های انسان دانشگاهی: دوری از ذلت و اسارت
خروجی دانشگاه: انسان عالم مؤمن	لزوم تربیت مطابق فطرت در دانشگاه
اصلاح انسان‌ها: مقدم بر همه چیز	علم بدون تربیت فسادآور است
خطر شدید خیانت با علم	ویژگی‌های انسان دانشگاهی: تعهد و عدم گرایش به غرب و شرق (استقلال فکری)
خطر دانشمند بی تربیت	شرط مرجعیت علمی میان مسلمین: مفید بودن دانشگاه برای ملت نه بیگانگان
نجات از غربزدگی: نشانه (شاخص) علاقه به اسلام	دانشگاه را به سمت خدا ببرید

کد محوری (حفظ و تداوم انقلاب اسلامی)	
لزوم حفظ تحول روحی (که مار خدا بود) در دانشگاه‌ها	مسئولیت دانشجویان: ۱- نجات جوانان فریب‌خورده غرب (بصیرت‌بخشی)
لزوم تذکر دادن مدام این تحول روحی و معنوی در دانشگاه توسط اساتید	مسئولیت دانشجویان: ۲- نجات نوباوگان بی‌خبر از دست شیادان غرب
حفظ وحدت، لازمه حفظ نهضت	مسئولیت دانشجویان: ۳- پرده‌برداری از جنایات شایعه‌سازان غربی علیه ایران
طرفداری از انقلاب	مسئولیت دانشگاهیان: پاسداری از انقلاب با تمام قوا
پرهیز از اختلاف و حفظ وحدت	دانشگاه چراغ راه جامعه: ارائه چارچوب‌های اسلام ناب به جامعه
مسئولیت دانشجویان: نگهداری از امانت بزرگ الهی (انقلاب اسلامی)	مسئولیت دانشگاهیان: قیام شجاعانه در مقابل انحرافات
دانشجویان مسلمان: رهبران آینده	

کد محوری (استقلال فکری و تحقق فرهنگ توانستن)	
دانشگاه، زمینه‌ساز استقلال کشور	دانشگاه معبر استقلال کشور
دانشگاه با فرهنگ مستقل	کشور مستقل در گروی دانشگاه مستقل از غرب و شرق



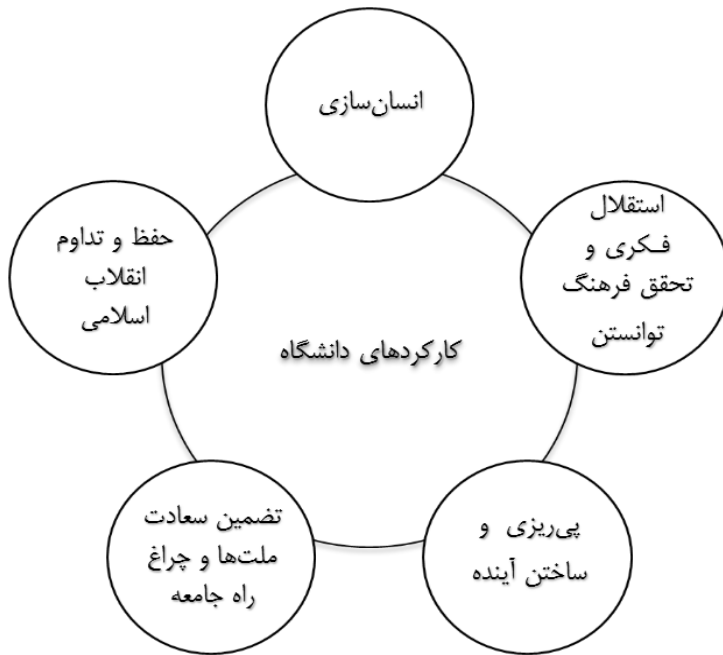
کد محوری (استقلال فکری و تحقق فرهنگ توانستن)	
قطع احتیاج از خارج	دانشگاه، وقف مصالح اسلام عزیز
دانشگاه مستقل و نه محتاج	کشور مستقل در گرو دانشگاه مستقل از غرب و شرق
خودکفایی در دانش	استقلال یا وابستگی کشور، در گرو تربیت‌های دانشگاهی
دانشگاه خودکفا و مستقل	تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه، رمز استقلال
لزوم غرب‌نهراسی دانشگاهیان	برگرداندن روی خود از غرب و شرق و روی آوردن به صراط مستقیم
فضای آرام شرط تحقق اهداف مدنظر در دانشگاه	لزوم عدم گرایش دانشگاه‌ها به غرب و شرق
مخالفت با دانشگاه وابسته به خارج	دانشگاه با خاصیت برای ملت
خروج از وابستگی مغزی	کسب علم از دیگران از موضع حفظ اسلام و استقلال کشور
نقش دانشگاه: نجات از وابستگی فکری	مرز کسب دانش و فناوری از دیگران: مسلمان ماندن است
وابستگی فکری مقدم و خطرناک‌تر	تربیت دانشجویان بریده از خارج
فکری جز اسلام و ایران در سر جوانان نباشد	

کد محوری (مبدأ سعادت ملت‌ها و چراغ راه جامعه)	
دانشگاه، مبدأ سعادت و شقاوت ملت (سعادت و شقاوت عامه)	دانشگاه، بر سر دوراهی جهنم و سعادت
تعیین سرنوشت ملت از دانشگاه	لزوم جهت‌دهی به دانشگاه‌ها
برخورد سست با دانشگاه، از دست دادن همه چیز	شرط متمایز شدن دانشگاه در جامعه اسلامی، جهت‌دهی به آن
دانشگاه، چراغ راه هدایت جامعه	دانشگاه، مرکز اصلاح یا فساد جامعه
مسئولیت دانشگاهیان: جهاد با دشمنان	دانشگاه، مرجع اداره کشور
صلاح و فساد جامعه در دست دانشگاهیان و حوزویان	دانشجویان متعهد: کشتی نجات امت اسلامی
سعادت جامعه در گرو دانشگاه اسلامی	دانشجویان متعهد: هدف اصلی استعمار
تزکیه در کنار تحصیل، شرط تحقق سعادت ملت توسط دانشگاه	دانشگاه، بالاترین نهاد مؤثر در سعادت جامعه



کد محوری (پی‌ریزی و ساختن آینده)	
مسئولیت دانشگاه: آینده‌سازی است (حفظ آینده اسلام)	دانشگاه باید اندیشمند تربیت کند نه اداری (بوروکرات)
لزوم سهیم بودن دانشگاه در بازسازی کشور	تربیت عالم جهت اداره مملکت به لحاظ علمی و فرهنگی

همان‌طور که در نگاره شماره ۱ نیز مشخص است، پس از گذاری گزینشی صورت گرفته براین ۱۰۰ کد محوری از بیانات امام خمینی (ره)، پنج مقوله اصلی به عنوان کارکردهای اصلی و رسالت دانشگاه بر اساس آرمان‌های اسلامی به شرح ذیل خود را نمایان ساخت.



نگاره شماره ۱. مقولات محوری کارکرد دانشگاه در اندیشه اسلامی امام خمینی (ره)

در ادامه توضیح نمونه‌محور هر یک در اندیشه اسلامی و آرمانی امام خمینی (ره) آمده است. در جدول شماره ۴ نیز جدول فراوانی مربوط به کدهای فوق در خصوص کارکرد دانشگاه به همراه مقولات فرعی ناظر بر هر کارکرد، آمده است.



جدول شماره ۴. مقولات و مفاهیم کارکردهای اصلی دانشگاه در اندیشه امام خمینی (ره) و فراوانی آنها در نمونه نظری تحقیق

فراوانی	مقولات فرعی	مقوله اصلی	اهداف تحقیق (مقوله محوری)
۴۲	هم‌هدفی با انبیاء (ع)	انسان‌سازی	کارکرد دانشگاه در جامعه اسلامی
	تزکیه، شرط تحقق		
	تربیت مطابق با فطرت		
	مبنای اصلاح همه چیز		
	انسان دانشگاهی: انسان الهی		
۱۶	رهایی از وابستگی فکری و فرهنگی	استقلال فکری و تحقق فرهنگ توانستن	
	تحقق روحیه خودباوری		
	خودکفایی در دانش		
	کسب علم از موضع استقلال و مسلمانی		
	کشور مستقل در گرو دانشگاه مستقل		
۲۵	مبدأ تحولات و سعادت/شقاوت عامه	تضمین سعادت ملت‌ها و چراغ راه جامعه بودن	
	بالاترین نهاد مؤثر در کشور		
	چراغ راه هدایت ملت		
	کشتی نجات امت اسلامی		
۱۳	حفظ تحول الهی حاصل از انقلاب	حفظ و تداوم انقلاب اسلامی	
	جلوگیری از انحرافات		
	نگهبانی از امانت بزرگ الهی		
۴	آینده‌نگری و پرهیز از حال‌بینی صرف	پی‌ریزی و ساختن آینده	
	تربیت عالم اصلاحگر نه انسان اداری		
۱۰۰	جمع		

کارکردهای اصلی دانشگاه در اندیشه اسلامی امام خمینی (ره) در ادامه برخی از سخنان ارزشمند حضرت امام خمینی (ره) در خصوص کارکردهای پنج‌گانه دانشگاه، به عنوان نمونه، تبرک آورده شده است:

انسان‌سازی

مهم‌ترین و کانونی‌ترین کارکرد دانشگاه در اندیشه اسلامی امام خمینی (ره)، انسان‌سازی است. انسان‌سازی در حقیقت، از مأموریت‌ها و رسالت‌های مهم انبیاء و رسل (ع) محسوب می‌شود که فرهنگیان و دانشگاهیان نیز به عنوان افرادی هم‌مسیر و هم‌مسلك با ایشان، باید به آن پایبند باشند. در نگاه آرمانی امام خمینی (ره)، کارکرد نهاد دانشگاه در جامعه، به نوعی بر همین اساس تعریف می‌شود، نهادی که باید بتواند در جامعه اسلامی مأموریت ساختن «انسان» به معنای حقیقی آن را تحقق بخشد. اگر این مهم تحقق یابد و «انسان، درست شد»، تحقق و اصلاح امور دیگر، قابل تضمین است:

«آن چیزی که مطرح است پیش انبیاء است پیش انبیاء انسان است. آن چیز، چیز دیگر نیست؛ انسان مطرح است پیش انبیاء؛ چیز دیگر پیش انبیاء مطرح نیست. همه چیز به صورت انسان باید درآید. می‌خواهند انسان درست کنند. انسان که درست شد، همه چیز درست می‌شود» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۶۵)

دانشگاه در هر کشوری ... نقششان این است که انسان درست کنند. مأمور ساختن انسان هست دانشگاه. از دانشگاه ممکن است یک انسان پیدا بشود که یک کشور را نجات بدهد و ممکن است که یک انسان پیدا بشود که کشور را به هلاکت بکشد. این نقش مهمی در دانشگاه است. مقدرات هر کشوری به دست دانشگاه و آنهایی که از دانشگاه بیرون می‌آیند هست. بنابراین دانشگاه بزرگ‌ترین مؤسسه مؤثر است در کشور؛ و بزرگ‌ترین مسئولیت‌ها [را] هم دانشگاه دارد... این دو قطب، که عبارت از قطب دانشگاه، به معنای تمام کلمه، دانشگاه، همه دانشگاه‌ها و روحانیت، این دو قطب، تمام سرنوشت یک ملت را در دست دارند و لهذا، کار از همه کارها بالاتر و شریف‌تر [است] و برای اینکه کار، همان کار انبیاست. همه انبیا برای آدم‌سازی آمده‌اند. قرآن کریم یک کتاب آدم‌سازی است. همه انبیا آمده‌اند که آدم‌ها را درست کنند. به درست کردن آدم همه بساط درست می‌شود. این دو قطب که هر دو مأمور آدم‌سازی هستند، قطب دانشگاه مأمور آدم‌سازی هست و قطب روحانیت مأمور آدم‌سازی، کارشان شریف‌ترین کارهاست برای اینکه همان کار انبیاست؛ و هم مسئولیت‌شان بالاتر از همه مسئولیت‌هاست

این انسان دانشگاهی در منظومه فکری امام خمینی (ره)، انسانی است که در کنار علم، تزکیه و تهذیب را سرلوحه خود قرار داده است و در واقع، عامل اساسی در تحقق انسان‌سازی دانشگاه، تزکیه به شمار می‌رود؛ شرط تحقق تربیت انسانی و تزکیه در دانشگاه نیز، انطباق تربیت با فطریات انسانی توحیدگرا و صراط مستقیم جوست. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۹-۴۹)

«برای شما مهم در دانشجویی و در دانشیاری و در استادی و در شاگردی و در



تربیت [و] در علم این است که یک تربیت صحیح همراه علم باشد. عالم تربیت شده به تربیت انسانی، که همان تربیت اسلامی است... کوشش کنید که هر قدمی که برای علم برمی دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوا در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه ان شاء الله بیرون می آید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانتدار باشید. برای معلوماتتان، هم امانتدار باشید و هم تزکیه نفس کرده باشید؛ نفس خودتان را مهار کرده باشید. نفس انسان سرکش است و سرکشی آن انسان را به زمین می زند... سرکشی نفس، انسان را به هلاکت می رساند... خودتان، مهار کنید نفس خودتان را. اگر غفلت بکنید، هر قدمی که در علم بردارید از انسانیت دور شده اید؛ هی دور تر. (صحیفه امام، ج ۹، ص ۴)

آنجا [در دانشگاه] هم چنانچه تربیت، یک تربیت انسانی باشد و موافق با فطرت انسان که همان فطرت، ودیعه گذاشته از خداست ﴿فَطَرَتَ اللّٰهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ آن طور باشد، در دانشگاه هم همان جور تربیت باشد، اینها بعد که تحویل به جامعه داده می شوند و مقدرات جامعه قهراً به دست اینها سپرده می شود بالمآل کشور را کشور نورانی، کشور انسانی، کشور به فطرت الله، تربیت می کنند، و کشور را به جلو می برند... انسان از اول این طور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد. از اول با فطرت خوب به دنیا آمده؛ با فطرت الهی به دنیا آمده: ﴿كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلٰى الْفِطْرَةِ﴾ که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است. این تربیتهاست که یا همین فطرت را شکوفا می کنند؛ و یا جلوی شکوفایی فطرت را می گیرند.

این انسان مهذب و مزکای دانشگاهی، دارای ویژگی هایی چون، خداباوری و آخرت باوری (ایمان به الله و یوم الآخر)، امانتداری و خیانت گریزی، تقوا، استقامت در راه خدا و اتصال به نورانیت الهی است. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۳)

استقلال فکری و تحقق فرهنگ توانستن

کارکرد مهم دیگر دانشگاه در اندیشه امام خمینی (ره)، ایجاد استقلال همه جانبه و باور توانستن در جامعه اسلامی است. در رأس این استقلال، استقلال فکری و فرهنگی قرار دارد و از ابعاد مهم فرهنگ مطلوب در این اندیشه، فرهنگ استقلالی است؛ دانشگاه نیز، نهاد و معبری است برای تحقق آن.

«همان طور که کراراً تذکر داده ام بزرگ ترین وابستگی ملت های مستضعف به ابرقدرت ها و مستکبرین؛ وابستگی فکری و درونی است، که سایر وابستگی ها از آن سرچشمه می گیرد. و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان



وابستگی به غیر، باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً طبقه دانشمند و متفکر و روشنفکر تحمیل شده است، برخیزید و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگ‌ترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب [است]، و ما در همه ابعاد فقیر هستیم، و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان دانشگاه‌ها و دانشسراها، و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید، و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید. و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید». (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۷۹)

ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم و یک کشوری داشته باشیم که این وابستگی مغزی ما را که مقدم بر همه وابستگی‌ها و خطرناک‌تر از همه وابستگی‌هاست، نجات بدهد. ما اساتید دانشگاهی را می‌خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوان‌های ما را مستقل بار بیاورند، غربی نباشند، شرقی نباشند، رو به غرب نایستند... ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم که بعد از چند سال دیگر تمام حوایج خودمان را خودمان تحصیل کنیم. ما با تخصص هیچ مخالفتی نداریم و آن چیزی که ما با آن مخالفیم وابستگی مغزهای جوان‌های ما به خارج، شرق و غرب است. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۶۰)

«از دانشگاه است که می‌تواند یک کشوری کشور مستقل باشد؛ و از دانشگاه است که می‌تواند یک کشوری کشور وابسته باشد... ما می‌خواهیم که دانشگاهی باشد که ملت ما را مستقل و غیر وابسته به شرق و غرب درست بکند؛ نه ملت را به طرف شرق بکشد، نه ملت را به طرف غرب بکشد؛ یک ملتی مستقل، با فکر مستقل، با دانشگاه مستقل؛ که با استقلال دانشگاه کشور مستقل می‌شود». (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۳۰)

«ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم ما چی بودیم، ما در تاریخ چه بودیم، چه هستیم، چه داریم، تا اینها را نفهمیم، استقلال نمی‌توانیم پیدا کنیم. تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی‌شود. بروید دنبال اینکه فکرتان را مستقل کنید. دانشگاه‌ها بروند دنبال اینکه جوان‌های ما را مستقل بجا بیاورند، تربیت کنند که بفهمند خودشان یک فرهنگ دارند؛ یک فرهنگ بزرگ دارند. بفهمند فرهنگ از اینجا صادر شده است به خارج» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۹۲)

«ما الآن در همه چیز به گمان همه یک نحو وابستگی داریم که بالاتر از همه، وابستگی افکار است. افکار جوان‌های ما، پیرمردهای ما، تحصیلکرده‌های ما، روشنفکرهای ما، بسیاری از این افکار؛ وابسته به غرب است، وابسته به امریکا است و لهذا حتی آنهایی که سوء نیت ندارند و خیال می‌کنند می‌خواهند خدمت بکنند به مملکت خودشان، از باب



اینکه راه را درست نمی‌دانند و باورش‌ان آمده است که ما باید همه چیز را از غرب بگیریم، این وابستگی را دارند و این وابستگی سرمنشأ همه وابستگی‌هاست که ما داریم. اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم، دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست؛ وابستگی اجتماعی هم هست؛ سیاسی هم هست. همه اینها هست.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۵۷)

«اگر در صنعت هم مانند آنها نیستیم نباید خودمان را بازیم و بگوییم که آنها پیشرفته هستند و ما همه چیزمان باید خارجی باشد. نه، مسئله این جور نیست. نباید اگر صنعتی از آنها می‌گیریم انگلیسی یا روسی یا امریکایی بشویم، بلکه باید مسلمان بود. البته استفاده از علوم و گرفتن آن از دیگران مانعی ندارد، ولی باید توجه داشت که از جایی علوم را بگیریم که نخواهند ما را منحرف کنند که در سابق اگر مقداری از علوم و تخصص‌ها را به ما می‌دادند، می‌خواستند ما را از همه چیزمان منحرف نموده و مصرفی بار بیاورند.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۱۹)

«آنکه ما اصرار داریم به اینکه دانشگاه که مغز متفکر یک ملت است، باید از وابستگی‌های به شرق و غرب کنار برود و نمی‌شود که کنار برود الا اینکه فرم اسلامی پیدا بکند، آن این نیست که دانشگاه ما نباید علم و صنعتی تحصیل کند، بلکه باید فقط همین آداب صلاح را به جا بیاورد! این یک مغالطه‌ای است که تا صحبت «دانشگاه اسلامی» می‌شود و اینکه باید انقلاب فرهنگی پیدا بشود، فریاد می‌زنند آنهایی که می‌خواهند ما را به طرف شرق و عمدتاً، به طرف غرب بکشانند، که اینها با تخصص مخالف‌اند، با علم مخالف‌اند. خیر، ما با تخصص مخالف نیستیم؛ با علم مخالف نیستیم؛ با نوکری اجانب مخالفیم. ما می‌گوییم که تخصصی که ما را به دامن امریکا بکشد یا انگلستان یا به دامن شوروی بکشد یا چین، این تخصص، تخصص مهلک است، نه تخصص سازنده. ما می‌خواهیم متخصصینی در دانشگاه تربیت بشوند که برای ملت خودشان باشند، نه برای کشاندن دانشگاه به طرف شرق یا طرف غرب. ما می‌خواهیم این علم و صنعت و همه چیزها در خدمت ملت باشد، نه در خدمت اجانب. تخصصی که در خدمت اجانب است ضررش از همه چیزها بالاتر است. علمی که ما را بکشد به طرف امریکا یا شوروی آن علم مضر است؛ آن علمی است که برای ملت‌ها هلاکت می‌آورد.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۵۹)

تضمین سعادت ملت‌ها و چراغ راه جامعه

مقوله اصلی دیگر در زمینه کارکرد دانشگاه در اندیشه اسلامی امام خمینی (ره)، تضمین سعادت ملت‌ها و هدایتگری دانشگاه در این خصوص است. در این اندیشه، دانشگاه،



مبدأ تعیین سعادت یا شقاوت عامّه و سرنوشت ملی و بالاترین نهاد مؤثر در کشور تلقی شده به طوری که اصلاح و تحول آن اصلاح و تحول همه امور کشور را در بر خواهد داشت. دانشگاه، در جامعه اسلامی همواره باید مسیر پیش رو را برای عامه نمایان و تبیین سازد و چراغ راه آن باشد. این هدایتگری و تضمین سعادت در گرو جهت‌دهی به فعالیت‌های دانشگاه است و در صورتی محقق خواهد شد که دانشگاه جهت الهی و انسانی به خود بگیرد؛ در غیر این صورت، دانشگاه در جامعه اسلامی با دانشگاه در جوامع دیگر تفاوتی نخواهد داشت:

«دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه چه دانشگاه علوم جدیده، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد. دانشگاه را باید جدیت کرد، جدیت بکنید دانشگاه را درستش کنید، دانشگاه را اسلامی‌اش کنید» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۶۴)

دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادت‌مند می‌کند. و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۶۱)

«سلام بر دانش و دانشگاه و دانشگاهیانی که چراغ راه هدایت و راهنمای ملت به سوی تعالی و سعادت و فضل و فضیلت می‌باشند. سلام بر جوانان برومندی که با سلاح علم در سرفرازی و اعتلای کشور عزیز اسلامی کوشا، و در رسیدن به هدف‌های انسانی - اسلامی از هیچ زحمت و کوشش دریغ ندارند» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۷۸)

«اگر غایات و مقاصد و آن چیزهایی که برای او اینها وجود پیدا کرده است، الهی باشد، هم قلم و هم مسلسل و هم علم و دانش و هم هر عملی ارزش پیدا می‌کنند؛ ارزش الهی. ارزش قلم به غایتی است که برای او قلم زده می‌شود... باید بشر به فکر این باشد که آن چیزهایی که مقصد است و برای تربیت انسان است، برای آموزش انسان است، برای تعلیم انسان است، جهت به آن بدهد. چنانچه دانشگاه‌ها جهت به آن داده نشود، همان دانشگاه‌هایی می‌شود که در بین بشر هست و از همان دانشگاه‌ها قوای مخربه بیرون می‌آید و اگر جهت به آن داده بشود، دانشگاه‌ها کاری می‌کنند که مسلسل‌ها نمی‌تواند بکند. خدمتی می‌توانند به بشر بکنند که هیچ کس دیگر نمی‌تواند این قدر خدمت بکند. عمده آن جهتی که طرف آن جهت رفته می‌شود.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۴۹)

«جوانان متعهد در طول تاریخ و خصوص دانشجویان مسلمان در نسل حاضر و در نسل‌های آینده سرمایه‌های امیدبخش اسلام و کشورهای اسلامی هستند. اینانند که با تعهد و سلاح و استقامت و پایداری می‌توانند کشتی نجات امت اسلامی و کشورهای



خود باشند و این عزیزانند که استقلال و آزادی و ترقی و تعالی ملت‌ها مرهون زحمات آنان است.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۴۷)

حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن، کارکرد مهم دیگر در این اندیشه است. بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران، تنها یک اتفاق تمام شده در گذشته نیست؛ بلکه تحولی است همه‌جانبه که در عالم شروع شده و باید ادامه یابد؛ این تحول که ریشه الهی و معنوی دارد، ابتدا باید توسط دانشگاهیان با همان مبدأ الهی‌اش، به خوبی درک و سپس برای حفظ و استمرار آن کوشش شود. دانشگاه، نهادی است که از آن انتظار می‌رود به عنوان کانون فکری جامعه، در ادامه این مسیر پیشرو باشد و با جلوگیری از انحرافات احتمالی، این امانت بزرگ الهی را حفظ نماید:

«آن چیزی که لازم است این است که شما که در دانشگاه هستید، شما که تماس با جوان‌ها دارید، این معنا را تذکر بدهید که این تحولی که رمز پیروزی شما بود و شما را تا اینجا رساند و این سد بزرگ شیطان را شکستید، این تحول و این نهضت را به این معنا که هست حفظش کنید، تا اینکه بعدها هم بتوانیم یک دانشگاه داشته باشیم مستقل برای خودمان.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۳۸)

«سیاسیون و روشنفکران و دانشگاهیان وظیفه اسلامی و ملی خود را به جا آورند و نگذارند نهضت را به وسیله تبلیغات پر سر و صدا منحرف کنند.» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۷۵)

«وصیت این جانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۳۴)

«و اکنون ای جوانان عزیز، و ای دانشجویان و دانشمندان، و ای امید امروز و فرداهای امت و اسلام، امانت بزرگ استقلال و آزادی که از دام دو قطب شرق و غرب با مجاهدت و فداکاری ملت عظیم‌الشأن ایران به دست آمده است، به شما عزیزان سپرده شده و مسئولیت بزرگی به عهده همه گذاشته است. همه ملت و خصوص دانشجویان مسلمان که رهبران آینده هستند، مسئول نگهبانی از این امانت بزرگ الهی می‌باشند.» (صحیفه امام، ج ۵۱، ص ۷۴۳)

پی‌ریزی و ساختن آینده

آخرین کارکرد اصلی دانشگاه در اندیشه امام خمینی (ره)، پی‌ریزی آینده جامعه اسلامی و تلاش برای ساختن آن است. این مهم در گروی آینده‌نگری و پرهیز از حال‌بینی صرف است. همچنین، ساختن آینده توسط دانشگاه، مستلزم آن است که هدف و



رسالت دانشگاه، هدفی بلند بوده و به تربیت انسان اداری و بورکرات محدود نشود، بلکه تربیت عالم جهت اداره مملکت و اصلاحگری فعال و خدمت عالمانه را مینا قرار دهد: «باید دانشگاه خودش را مجهز کند برای اینکه جوان‌ها را بسازد. آتیه این کشور را باید از حالا شما پی‌ریزی کنید. ما فقط به فکر خودمان و زمان حال نباید باشیم. ما باید به فکر آینده کشور باشیم؛ برای اینکه اسلام است، آینده اسلام باید محفوظ بماند. آینده کشور باید محفوظ بماند.» (صحیفه امام، ج ۵۱، ص ۴۳۴)

«جوان‌هاتان را تربیت کنید به یک تربیتی که فعال باشند. همه برای این نباشد که یک میزی را بگیرند. آقا این یک مصیبتی است که همه دانشگاه‌ها زحمت بکشند، زحمت بکشند برای اینکه بروند [پشت سرهم] میز اشغال کنند... دانشگاه باید عالم درست کند نه اداری. اداری یک مسئله کوچکی است. حالا یک احتیاجی هست. البته باید برود آنجا. اما دانشگاه باید عالم درست کند. دانشگاه باید اشخاصی را درست کند که مملکت خودش را اداره کند از حیث علمیت. اداره کند از حیث فرهنگ. نه اینکه غایت آمال این باشد، یک چیزی دستش بیاید برود توی یک اداره‌ای بنشیند مهمل... یک قوه فعاله مهمل بار می‌آید و بودجه مملکت را هم از بین می‌برد. اینها باید اصلاح بشود. من، آخر عمرم است، اما شما جوانید. اصلاح کنید اینها را. اصلاح کنید اینها را، اگر بخواهید مستقل باشید. این چیزها را در صدد برآیید اصلاحش بکنید.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۲)

نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهادات

هر چند که امروزه از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود تا به کارکردهایی چون تولید دانش (پژوهش)، انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر (آموزش)، نشر و اشاعه دانش، تربیت نیروی انسانی متخصص برای ارائه خدمات متنوع در جامعه و تحقق جامعه‌پذیری جوانان بپردازد؛ اما این همه به رغم اهمیت آن، تنها بخشی از کارکردهای مورد انتظار از دانشگاه در نگاه اسلامی است. چرا که در این نگاه، انسان دارای ابعادی فراتر است که نهاد علم و تربیت جامعه چون دانشگاه، باید نسبت به آن حساس بوده و برای آن با ظرافت‌های خاص آن ابعاد، برنامه داشته باشد. قدم نخست برای این برنامه‌ریزی و سیاستگذاری هوشمندانه، شناخت صحیح کارکردهایی است که باید متناسب با ابعاد فرامادی و معنوی انسان در جامعه تعریف شود. ابعادی که به فطریات، اعتقادات و جهت‌گیری‌های فرهنگی و معنوی او معطوف است و در نگاه دینی، اصالت با آنها شمرده شده است و تقریباً در تمامی کارکردهای رایج دانش و دانشگاه، مورد غفلت واقع گردیده است. به طوری که، احساس سرگشتگی، بحران‌های روحی، بی‌هویتی و



زندگی تک‌بعدی، از جمله پیامدهای ناگوار پرداختن تک‌بعدی به دانش و دانشگاه، البته در کنار پیشرفت و توسعه مادی، به شمار می‌رود.

با دقت در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و تحلیل نظام‌مند و روش‌مند آراء ایشان که در این نوشتار رخ داد، این مهم مشخص می‌شود که کارکردهای دانشگاه در نظام آرمانی اسلام، کارکردهایی همه‌جانبه است که ضمن پوشش دادن کارکردهای رایج پیش‌گفته، بر ابعاد معنوی انسان در جهان معاصر نیز کاملاً دلالت دارد. در واقع، در این نگاه، صرفاً از دانشگاه خواسته نمی‌شود که به تولید دانش بپردازد؛ بلکه دانشگاه در این اندیشه، محل ساخته شدن انسان است و خروجی دانشگاه باید انسان به معنای حقیقی و تام آن باشد (کارکرد انسان‌سازی). در غیر این صورت، خطر افرادی که به این مهم دست نیابند، به مراتب از نفعشان برای جامعه بیشتر است! همچنین، دانشگاه باید استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور را از طریق علم و دانش، محقق سازد (کارکرد تأمین استقلال و خودباوری). دانشگاه در این نگاه متعالی، چراغ راه جامعه است و سعادت یا شقاوت جامعه در گروی رفتار و عملکرد افرادی است که در این نهاد مهم مشغول فعالیتند (کارکرد تضمین سعادت جامعه). این نهاد، باید بتواند اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی را حفظ و تداوم بخشد (کارکرد تداوم انقلاب) و با استفاده از تولیدات خود، در جهت پی‌ریزی و ساختن آینده پیش رو، همت‌گمارد (کارکرد آینده‌سازی). این کارکردها، به زیبایی، ضمن آنکه حاکی از یک نظام فکری است، نشان‌دهنده انتظارات والایی است که از دانشگاه به عنوان نهاد متولی تولید علم و دانش در جامعه اسلامی می‌رود. نحوه تحقق این کارکردهای آرمانی، فرهنگ متناسب با آنها، ساختارها و فرایندهای سازمانی پشتیبان این کارکردها، سنجش واقعیت‌ها و فاصله دانشگاه‌های کشور با این کارکردها به عنوان قله و قطب‌نمای حرکت دانشگاه‌ها، از جمله مسائل مهمی است که پس از مشخص شدن دقیق و روش‌مند کارکردهای مذکور (آنچه نوشتار حاضر در پی آن بود)، توسط سایر محققان و نهادهای پژوهشی قابل ردیابی و پیگیری خواهد بود.

منابع

الف) مقالات

۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷) دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (ره)، تبیان آثار موضوعی، دفتر چهاردهم. ویراست دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ششم.
۲. ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳) دانشگاه ایرانی: درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی. تهران: نشر کویر.
۳. زارعی متین، حسن (۱۳۸۸) مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته. تهران: نشر آگاه.
۴. صباغیان، زهرا (۱۳۸۸) فرهنگ دانشگاهی: چارچوبی پژوهشی. در: محمد یمنی دوزی سرخابی (ویراستار علمی)، رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی. (صص ۹۳-۶۵)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. معینی، فائزه (۱۳۸۷) دانشگاه تمدن ساز ایرانی اسلامی در آینه اندیشه‌های امام و رهبری. تهران: معاونت فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۶. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۷) مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج‌البلاغه امام علی (ع). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. یمنی، محمد (۱۳۸۸) دانشگاه سازگار شونده: یک فرایند پیچیده. در: رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی (مجموعه مقالات). به اهتمام محمد یمنی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸. یمنی، محمد و عیسی ثمری. (۱۳۸۹). تصویر دانشجویان از دانشگاه پیام نور و کارکردهای آن (مورد دانشگاه پیام نور مرکز تهران). فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال ۳، شماره ۳، ۱-۳۷.
۹. آدمی، علی و همکاران (۱۳۸۷) درآمدی بر دانشگاه تمدن ساز اسلامی: بایسته‌های نظری. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

ب) کتاب

۱۰. اسلامی، محسن (۱۳۸۷) «دانشگاه تمدن ساز؛ پلی میان دانش و فرهنگ» در: علی آدمی (ویراستار علمی). درآمدی بر دانشگاه تمدن ساز اسلامی: بایسته‌های نظری، (صص ۱۸۴-۱۶۹). تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۱. خرمشاد، محمدباقر و آدمی، علی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن ساز». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۲(۲) (پیاپی ۶): صص ۱۸۸-۱۶۱.

A) Article

12. Battista, Silvia Di, Monica Pivetti, Chiara Berti. (2014). **Engagement in the university context: exploring the role of a sense of justice and social identification.** Social Psychology of Education. 17:471-490.



13. Becher, T. (1981). **Towards a Definition of Disciplinary Cultures.** *Studies in Higher Education*, 6(2), 109-122 .
14. Becher, T. (1994). **The Significance of Disciplinary Differences.** *Studies in Higher Education*, 19(2), 151-161.
15. Bergquist, W. H. (1992). **The four cultures of the academy: insights and strategies for improving leadership in collegiate organizations (1st ed.).** San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
16. Bergquist, W. H., & Pawlak, K. (2008). **Engaging the six cultures of the academy : revised and expanded edition of The four cultures of the academy (2nd ed.).** San Francisco: Jossey-Bass.
17. Boyer, H. (1995). **Le reseau des cegeps et des universites tisse une toile surt out le Qeubec.** *Le Devoir*.
18. Clark, B. R. (1997). **Small Worlds, Different Worlds: The Uniquenesses and Troubles of American Academic Professions.** *Daedalus*, 126(4), 21-42.
19. Dill, D. D. (1982). **The Mnaagement of Academic Culture: Notes on the Management of Meaning and Social Integration.** *Higher Education*, 11(3), 303-320.
20. Dragšić, Barbara M. Kehm. (2014). **Transformation of university governance: on the role of university board members.** *Higher Education*. 65: 39-58.
21. Ferlie, E., Musselin, C., & Andresani, G. (2008). **The steering of higher education systems: A public management perspective.** *Higher Education*, 56(3), 325-348.
22. Moru, E. K. (2009). **Epistemological obstacles in coming to understand the limit of a function at undergraduate level: A case from the National University of Lesotho.** *International Journal of Science and Mathematics Education*, 7, 431-454.
23. Paleari, Stefano, Davide Donina, Michele Meoli. (2014). **The role of the university in twenty-first century European society.** *The Journal of Technology Transfer*. 23: 33-42.
24. Shiri M. Breznitz, Maryann P. Feldman. (2012) **The larger role of the university in economic development: introduction to the special issue.** *The Journal of Technology Transfer*. 37: 135-138.
25. Zajda, Joseph. (2011). **Debating moral education: Rethinking**





the role of the modern university. International Review of Education. 57. 503-505.

B) Book

26. Becher, T. (1990). The Counter-Culture of Specialisation. European Journal of Education, 25(3), 333-346.
27. Becher, T., & Trowler, P. (2001). Academic tribes and territories: intellectual enquiry and the culture of disciplines (2nd ed.). Philadelphia, PA: Open University Press.
28. Dragsic, Z., Kretek, P. M., & Kehm, B. M. (2011). University boards: Formal authority and accountability. in five countries. Paper presented at 33rd Annual EAIR Forum.
29. Estermann, T., & Nokkala, T. (2009). University autonomy in Europe I. Brussels.
30. Ferreira, M. (2006) Rethinking academic culture in the information age. Unpublished Ph.D., McGill University (Canada), Canada.
31. Nixon, J. (2008). Towards the virtuous university : the moral bases of academic practice. New York: Routledge.